

ارزیابی و سنجش اقتصادی حوضه گرمسیری غرب کشور و پیش‌بینی استغال آن با مدل تغییر سهم

سیوان ولدبیگی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱/۲۴

چکیده

رشد بخش‌های سه‌گانه اقتصادی در هر منطقه بیانگر پیشرفت و توسعه اقتصادی آن منطقه است. رشد و توسعه اقتصادی هر منطقه زمانی محقق می‌گردد که به هر بخش در جایگاه خود توجه شود. بنابراین تدوین یک برنامه اقتصادی مناسب برای استغال‌زایی و توسعه پایدار منطقه، مستلزم شناخت کافی از موقعیت و مزیت‌های اقتصادی آن منطقه می‌باشد. بر این اساس تحقیق حاضر قصد دارد تا با استفاده از مدل تغییر سهم به بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی حوضه گرمسیری غرب کشور در جهت تعیین نقش غالب اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده استغال حوضه به عنوان هدف اصلی تحقیق پردازد. ضمن اینکه ورود و خروج نیروی شاغل را از طریق روش ضریب مکانی مورد بررسی قرار می‌دهد. تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق‌های کاربردی و از نظر روش جزء تحقیقات توصیفی- تحلیلی می‌باشد. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و ابزارهای مانند نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که در مجموع در دوره ۹۰-۱۳۸۵ بخش‌های صنعت و خدمات سهم خود را در مقابل بخش کشاورزی از دست داده‌اند. نقش غالب اقتصادی حوضه در این دوره با کشاورزی بوده است که در صورت ادامه چنین روندی با توجه به قابلیت‌های بالقوه حوضه در زمینه کشاورزی و به تبع آن صنعت (صناعت تبدیلی و تکمیلی کشاورزی)، می‌توان انتظار آن را داشت که مسئله استغال در حوضه و به تبع آن استان‌های کرمانشاه و ایلام با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری برطرف گردد. این در حالیست که تحقق این امر مستلزم تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای مناسب در راستای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پایه و اصلی حوضه گرمسیری است.

واژگان کلیدی

استغال، توسعه متعادل منطقه‌ای، حوضه گرمسیری غرب کشور، مدل تغییر سهم، ضریب مکانی

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران.

مقدمه

هدف عمده انجام مطالعات اقتصادی آگاهی از ترکیب اقتصادی، ارزیابی حیات اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصاد محلی است تا این طریق بتوان زمینه رشد و توسعه منطقه را پیش‌بینی کرده، تبلور فضایی- کالبدی آن را در شکل مناسب به تجسم درآورد (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۴۸). امروزه عدم توجه به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه‌های اقتصادی باعث شده است که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در مناطق به دلیل عدم انطباق با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق نه تنها گامی موثر در متعادل کردن توسعه‌های منطقه‌ای نباشند بلکه عاملی گردند در جهت اتلاف منابع و امکانات بالقوه مناطق. بر همین اساس با وجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی در کشور در دوره‌های مختلف، همچنان روند توسعه نیافرگی و توسعه نامتعادل منطقه‌ای ادامه دارد و روز به روز برخلاف اهداف مورد انتظاری که از برنامه‌های توسعه‌ای می‌رود شاهد عمیق‌تر شدن شکاف بین مناطق مختلف کشور بالآخر در زمینه تولید و اشتغال هستیم. امروزه پرداختن به ابعاد فضایی مسائل اقتصادی و رفع موانع موجود در زمینه عدم حرک کالاها و خدمات و منابع تولید بین کشورهای جهان، از جمله مهم‌ترین اهداف هر کشور محسوب می‌شود. شناخت فعالیت‌هایی که می‌تواند موتور رشد یک منطقه محسوب شود و باعث کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای گردد، از دیگر اهداف مهم سیاست گذاران و برنامه‌ریزان به شمار می‌رود (صیاغ کرمانی، ۱۳۷۹: ۶۳). از جمله اولین گامهای مربوط به برنامه‌ریزی توسعه مناطق، شناخت درونی و کالبد شکافی وضعیت موجود اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. پاسخ به سؤالاتی نظری چگونگی تغییرات روند و سطح اشتغال در بخش‌ها و زیربخش‌ها، دلایل تفاوت در رشد مناطق و شناخت انواع مزیت‌های نسبی، از مهم‌ترین ابزارهای شناخت برای سیاست‌گذاران در هر منطقه می‌باشد (صیاغ کرمانی، ۱۳۷۹: ۶۵).

تحقیق حاضر قصد دارد تا با به کارگیری مدل‌های ضریب مکانی (Location Quotient) و تغییر سهم (Shift-share)، به عنوان روش‌های تحلیل منطقه‌ای و پیش‌بینی اشتغال که روشنی برای شناسایی و تعیین فرست‌ها و امکانات جهت تغییر ساختار اقتصاد منطقه در زمینه بهبود عملکرد آن فراهم می‌کند به بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی حوضه گرمسیری غرب کشور در جهت تعیین نقش غالب اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده اشتغال حوضه به عنوان هدف اصلی تحقیق پردازد. ضمن اینکه ورود و خروج نیروی شاغل را از طریق روش ضریب مکانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

بیان مسئله

عدم توجه به امکانات و قابلیت‌های بالقوه منابع طبیعی و جغرافیایی مناطق را می‌توان یکی از عوامل موثر در بروز بحران‌های اجتماعی- اقتصادی از جمله افزایش نرخ بیکاری و سیر صعودی مهاجرات‌های بی‌رویه شهری و به تبع آن شکل گیری توسعه‌های نامتعادل منطقه‌ای دانست. از این‌رو توسعه اقتصادی مبتنی بر مزیت‌های نسبی مناطق را می‌توان، با توجه به اینکه از یک سو استفاده بهینه از منابع بر اساس ظرفیت‌های اکولوژیکی مناطق و از سوی دیگر افزایش آرامش و وابستگی در روابط انسان‌ها را در پی دارد به عنوان یکی از راهبردی‌های اساسی در توسعه پایدار منطقه‌ای دانست.

در قرن حاضر اکثر کشورهای جهان با مسائل و مشکلات جذب نیروی انسانی آمده به کار مواجه هستند و این مسئله علاوه بر اتلاف منابع انسانی، مسائل و مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد. از این‌رو این کشورها انواع برنامه و سیاست‌های متنوع را در بازار کار انتخاب کرده و اجرا می‌کنند (میر حبیبی، ۱۳۸۶: ۱۱). در ایران، به دلیل ساختار اقتصادی آن، در دوره‌های گوناگون بیکاری به عنوان یک معضل اقتصادی مطرح بوده و در سیاست‌های کلان کشور، اشتغال‌زایی در بخش‌های گوناگون به عنوان راهبردی برای دولتمردان مدنظر بوده است. این سیاست گذاری‌ها بر مبنای افزایش اشتغال در بخش‌های گوناگون اقتصادی استوار بوده است (جلالی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

حوضه گرمسیری غرب کشور واقع در دو استان کرمانشاه و ایلام به عنوان محدوده مورد مطالعه تحقیق نیز، با وجود در برگرفتن محدودی ۱۰۰ هزار هکتاری از دشت‌های مستعد کشاورزی این دو استان از نظر وضعیت بیکاری از این قاعده مستثنی نیست به گونه‌ای که بر اساس نتایج طرح آمار گیری نیروی کار ۱۳۹۳ سازمان آمار کشور نرخ بیکاری در استان کرمانشاه و ایلام و حوضه گرمسیری غرب کشور که ۹ شهرستان از دو استان مذکور را در بر می‌گیرد به ترتیب معادل ۱۵.۳ درصد، ۸.۷ درصد و ۱۹.۸۶ درصد می‌باشد (سازمان آمار، ۱۳۹۳).

ضرورت و اهمیت تحقیق

شناخت استراتژی‌های توسعه‌ای مناسب در راستای رشد و توسعه آینده‌ی مناطق کشور، از مهم‌ترین مسائلی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشور بایستی به آن توجه لازم را داشته باشند. بدین منظور تجزیه و تحلیل روند اشتغال و ساختار آن در بخش‌های مختلف

اقتصادی در سطح مناطق مختلف کشور در جهت شناخت دقیق استعدادها و توان های بالقوه بخش‌ها سه گانه اقتصادی به منظور برنامه ریزی و اشتغال‌زایی معادل در هر یک از بخش‌های اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

در فرآیند تولید اقتصادی نیروی انسانی همواره به عنوان یکی از کلیدی ترین ارکان تولید اقتصادی مطرح بوده است. نیروی انسانی که یکی از عوامل اصلی در چرخه جریان اقتصادی و یک فاکتور کلیدی در دستیابی به توسعه پایدار می باشد چنانچه در مسیر صحیح خود هدایت شود، می تواند ارزش افزوده مضاعفی را در تمام بخش‌های اقتصادی ایجاد نماید(متین نفس، ۱۳۸۳: ۲۷)، در غیر اینصورت در قالب نیروی بیکار، تبدیل به یک مانع اقتصادی- اجتماعی در راستای دستیابی به توسعه پاید می گردد.

ازین رو می توان با تحلیل و بررسی وضعیت ساختار اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده اقتصادی محدوده مورد مطالعه در زمینه اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی با تأکید بر مزیت‌های نسبی اقتصادی و توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها طبیعی- جغرافیایی، گامی موثر را در زمینه کاهش نرخ بیکاری ۱۹.۸۶ درصدی حوضه گرمسیری غرب کشور و به تبع آن ۱۵.۳ درصدی استان کرمانشاه و ۸.۷ درصد استان ایلام و تغییر مسیر مهاجرت‌های شهری برداشت که در غیر اینصورت نرخ بالای بیکاری و روند مهاجرت‌های شهری در محدوده مورد مطالعه از یک سو و موانع توسعه معادل منطقه ای و به تبع آن توسعه پایدار اجتماعی- اقتصادی در سطح کشور از سوی دیگر به قوت خود باقی خواهد ماند.

اهداف تحقیق

اهداف مهمترین عامل حرکت و خلق آینده هستند که امکان اندازه گیری پیشرفت و بهبود را فراهم می کنند. بر این اساس تحقیق حاضر به منظور حرکت به سمت استفاده بهینه از منابع و امکانات طبیعی- جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در راستایی دستیابی به توسعه معادل منطقه‌ای و به تبع آن توسعه پایدار اجتماعی- اقتصادی اهداف مورد نظر خود را در قالب سه دسته اهداف زیر تبیین نموده است.

اهداف کلان

بررسی و تحلیل وضعیت اقتصادی حوضه گرمسیری غرب کشور در جهت تعیین نقش غالب اقتصادی و پیش‌بینی وضعیت آینده اشتغال حوضه اهداف خرد

تحلیل بخش‌های سه گانه اقتصادی شهرستان‌های واقع در حوضه گرمسیری غرب کشور
بررسی وضع موجود اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی حوضه به تفکیک شهرستان‌های حوضه
بررسی وضعیت تعییرات اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی حوضه به تفکیک شهرستان‌های حوضه
تعیین نقش غالب اقتصادی شهرستان‌های حوضه
پیش‌بینی آینده اشتغال در شهرستان‌های حوضه

پیشینه تحقیق

به لحاظ اهمیت بالای اشتغال به عنوان یکی از متغیرهای موثر اقتصادی، مطالعات گوناگونی در داخل و خارج کشور با مدل تغییر سهم به بررسی اشتغال پرداخته‌اند که در زیر به معرفی برخی از آن پرداخته شده است.

کلوسترمن(۲۰۰۱) در مقاله‌ای با عنوان "تجزیه و تحلیل پویای تغییر سهم" نشان داد که رویکرد ایستای مقایسه‌ای، تعییرات مستمر در هر دو ترکیب صنایع و اندازه کل اشتغال منطقه در دوره مورد بررسی را محاسبه نمی کند، بلکه این مشکل را می از طریق تحلیل‌های پویا و به کارگیری آمار سالیانه از بین بردن(klosterman,2001).

بورگس(۱۹۸۸)، در پژوهشی مربوط به صنعت کارخانه‌ای در انگلستان، هزینه‌های تعدیل نیروی کار را در استخدام و اخراج نیروی کار موثر می داند(Burgess,1988).

آی و همکاران(۲۰۰۷)، در موضوعی با عنوان "تجزیه و تحلیل تغییر سهم روی رشد اشتغال منطقه‌ای(دوازده منطقه)" به بررسی رشد اشتغال گروه‌های صنعتی کشور فیلیپین پرداختند و در نهایت سهم رشد ملی و ترکیب صنعتی در تمام مناطق و اثر رقابتی آن را محاسبه نمودند(Ay,2007).

شی چانیون و همکاران(۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای به تجزیه و تحلیل رقابت توریسم بین الملل با استفاده از تحلیل تعییر- سهم در طی دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۴ برای استان جیانگسو یکی از استان‌های چین پرداختند. نتایج نشان دادند که رشد توریسم بین الملل در جیانگسو به طور اساسی

به جز رشد ملی و جزء رقابتی (هردو مثبت) آن، نسبت داده می شود و ژیانگ مهم ترین رقیب جیانگسو در سال های مورد بررسی بوده است (Chunyun, 2007).

سبحانی و درویشی (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام" به بررسی علل رشد نامناسب شاغلان استان ایلام نسبت به کشور و تعیین بخش‌های پایه‌ی اقتصادی در این استان پرداخته‌اند. نتایج حاصله بیانگر رشد نامناسب شاغلان استان ایلام نسبت به کشور در هردو دوره مورد بررسی است که علل این عدم تناسب در دوره اول تغییرات رقابتی و ساختاری منفی و در دوره دوم تغییرات ساختاری منفی و تغییرات رقابتی مثبت می باشد (سبحانی، ۱۳۸۳).

فرهودی و محمدی (۱۳۸۵)، در پژوهشی تحت عنوان "تحلیل و پیش‌بینی و شعیت اشتغال در شهر سنندج" با استفاده از مدل تغییر-سهم، ضریب مکانی و ضریب جینی به این نتیجه رسیده‌اند که اقتصاد شهر سنندج بر پایه رشد بخش خدمات است و بخش مولد و صنعتی در این شهر نقش بسیار ناچیزی را ایفا کرده و کشاورزی به شدت در حال تنزل بوده و سهم مشاغل کاذب رو به افزایش است (فرهودی، ۱۳۸۵).

مصری نژاد و همکاران (۱۳۸۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان "تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی مناطق شهری ایران با روش تغییر سهم و استاده از ضریب مکانی" نشان دادند که بخش‌های معدن، ساختمان، اب و برق و گاز، عمدۀ فروشی، حمل و نقل و خدمات مالی از میان دخ بخش عمدۀ فعالیت شهرهای کشور دارای اثر رقابتی مثبت می باشند و در این فعالیت‌ها اثر ترکیب بخشی نیز مثبت است. بنابراین انتظار می رود که در اینده این بخش‌ها نقش مهمی را در اشتغال شهرها داشته باشند (مصری نژاد، ۱۳۸۳).

مبانی نظری تحقیق

اقتصاد و بخش‌های سه گانه‌ی آن

فرهنگ لغت آکسفورد اقتصاد را اینگونه تعریف کرده است: ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول در یک کشور یا منطقه مشخص (oxford, 200). در تعریفی دیگر اقتصاد مجموعه بزرگی از فعالیتهای بهم مرتب تولیدی و مصرفی دانسته شده که به تعیین چگونگی تخصیص منابع کمیاب کمک می‌رسانند (investopedia).

رشد بخش‌های سه گانه اقتصادی در هر منطقه بیانگر پیشرفت و توسعه اقتصادی آن منطقه است. برخورداری از هدف و مسیری خاص برای فعالیت‌های اقتصادی در هر مکان مشخص کننده پیشرفت آن مکان در یک زمینه خاص اقتصادی است.

بخش کشاورزی

بخش کشاورزی یکی از بخش‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی است که با وجود مزیت‌های نسبی اقتصادی چشمگیر، از حیث توسعه اشتغال عموماً بخشی فروکاهنده و دارای محدودیت ارزیابی می‌شود. نگاهی به سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور نشان می‌دهد که در طی چهار دهه گذشته، سهم اشتغال بخش کشاورزی در کشور به گونه قابل توجهی کاهش یافته است (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۲).

بخش صنعت

صنعت یکی از مهمترین عناصر و عوامل رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد. رشد و توسعه بخش صنعت، زمینه و امکان رشد و توسعه سایر بخش‌ها از جمله کشاورزی، بهداشت و درمان و ... را فراهم می‌کند. بنابراین بخش صنعت در تحولات اقتصادی کشور نقش کلیدی ایفا می‌کند و به واسطه اهمیتی که در ایجاد تقاضا و تأمین مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای با منشاء صنعتی برای بخش‌های مختلف اقتصاد دارد، می‌تواند به نقش کلیدی خود عمل کند (پدرام و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۳).

بخش خدمات

بخش خدمات از ارکان اساسی فعالیت‌های اقتصادی است. این بخش با ظهور شهرنشینی شکل می‌گیرد و با گسترش آن پوشش وسیعتری می‌یابد. در حال حاضر سیاست‌گذاران اقتصادی در کشورهای در حال توسعه باید به این نکته توجه داشته باشند دیگر نمی‌توان محورهای توسعه را تنها در بخش کشاورزی یا صنعت سنتی که نوآوری‌های فنی، بخش خدمات را در فرآیند توسعه اقتصادی در یک موقعیت استراتژیک قرار دارد (حکیمیان، ۱۳۷۸: ۳۳).

نظریه‌های اقتصادی در زمینه اشتغال بخش‌های اقتصادی

روندهای تاریخی تحولات بخش‌های صنعت، کشاورزی و خدمات نشان دهنده اهمیت بالای بخش کشاورزی در دوران اقتصاد سنتی و عدم وجود فعالیت‌های صنعتی و خدماتی بوده است، لذا عمدۀ نیروی کار شاغل، در بخش کشاورزی فعالیت داشته‌اند (قویدل، ۱۳۸۷: ۹۶). ولی به تدبیح از اهمیت بخش کشاورزی کاسته شده و سهم آن به نفع بخش صنعت تقليلیافته است. این

روند همچنان ادامه داشته، ولی در یکی دو دهه اخیر این تغییر ساختار بیشتر متوجه بخش خدمات بوده، که نقش عمده‌تری در تولید اشتغال کسب نموده است. به طوری که در کشورهای صنعتی نزدیک به ۸۰ درصد از شاغلان بخش کشاورزی و صنعت طی چهار دهه به بخش خدمات منتقل شده‌اند (عیبری، ۱۲۸۴: ۴۲).

نظریه کوزنتس

یکی از بهترین نظریات در خصوص اشتغال بخش‌های اقتصادی توسط سیمون کوزنتس (Simon Kuznets) اقتصاددان آمریکایی اهل بلاروس ارائه شده است. کوزنتس معتقد است در بسیاری از کشورها، از سهم عامل نیروی کار در تولید محصولات کشاورزی کاسته شده، در حالیکه سهم نیروی کار شاعل در بخش صنعت در تمام کشورهای مورد مطالعه روند صعودی داشته است. همچنین بهره‌وری عوامل تولید در بخش کشاورزی با نرخی مشابه با میانگین بهره‌وری ملی افزایش یافته ولی بهره‌وری در بخش صنعت با سرعت بیشتری از میانگین بهره‌وری کل اقتصاد رشد کرده و نهایتاً اینکه نرخ رشد بهره‌وری در بخش خدمات کمتر از میانگین رشد بهره‌وری برای کل اقتصاد بوده است (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۷).

نظریه نورکس

رagnar نورکس (Ragnar Nurks) از نظریه پردازان رشد متعادل اقتصادی بر این باور است که سطح درآمدهای پایین در کشور‌های توسعه نیافتد، بازتاب بازدهی یا توان تولید در سطح پایین است و ابراز می‌دارد، که با تجمع مهارت‌های تکنیکی در بخش کشاورزی می‌توان این نیروهای کار مازاد را از بخش کشاورزی به سایر بخش‌های اقتصادی منتقل کرد تا اشتغال کامل بدست آید (زیاری، ۱۳۸۰: ۹۲).

نظریه کینز

نظریات کینز از اواسط دهه ۱۹۲۰ در انگلستان و سپس در کشورهای دیگر رواج یافت و در سال ۱۹۳۶ با انتشار کتاب نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول شهرت جهانی کسب نمود. کینز (John Maynard Keynes) معتقد بود که دولت می‌باشد برای رسیدن به اشتغال کامل در اقتصاد دلالت نماید. کینز برخلاف نظریات اقتصاد کلاسیک، معتقد رویکرد یه اقتصاد ازad بود. وی این نظریه را که جامعه در حالت تعادل به اشتغال کامل می‌رسد، رد کرد و اعتقاد داشت که سطح اشتغال با میزان تولید و میزان تولید با میزان تقاضای موثر (یعنی میزان خرید کالاهای خدمات) ارتباط مستقیم دارد. بنابراین به نظر وی تأمین اشتغال کامل و کار برای همه به مراتب مهمتر از تعادل در درآمدها و هزینه‌های دولت است (خدابست مشهدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۳).

نظریه رشد نامتعادل

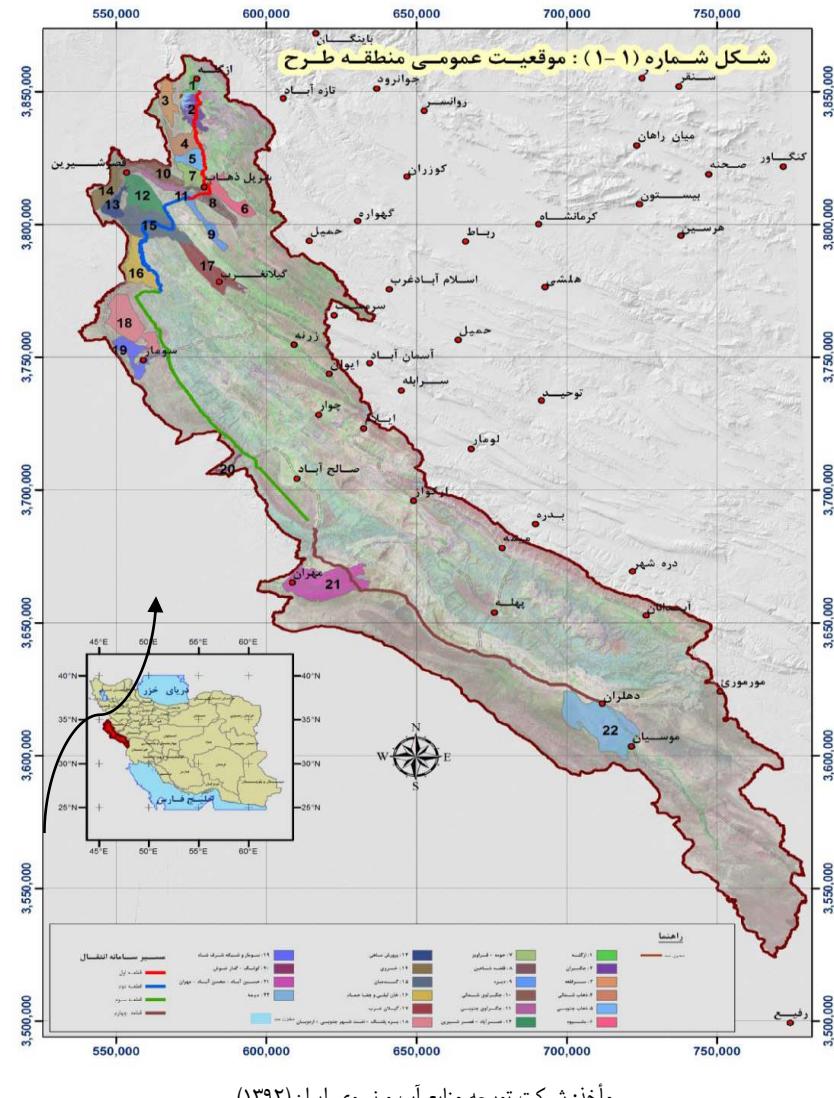
طرفداران این نظریه عنوان می‌کنند، نظریه رشد متعادل و همه جانبه نیازمند سرمایه گذاری‌های وسیع و همزمان است، در حالی که مشکل اصلی کشورهای توسعه نیافته کمبود سرمایه می‌باشد. از طرفی با اجرای همزمان سرمایه گذاری‌ها و طرح‌های مختلف، مشکل برنامه ریزی بوجود می‌آید و ممکن است در اثر اشتباه در برنامه ریزی و تخصیص نادرست منابع، از کارایی آنها کاسته شده و نیز بسیاری از منابع تلف شوند. از این‌رو باستی سرمایه گذاری‌های موجود و در دسترس را به بخش‌ها و صنایعی اختصاص داد که بتواند نقش محرك را برای سایر بخش‌ها ایفا کند. به این معنا که منابع لازم برای سرمایه گذاری در بخش‌های دیگر، توسط منافع حاصل از سرمایه گذاری در بخش‌های پیش‌تازی یا استراتژیک فراهم شود و از این طریق صرفه‌جویی‌ها و توسعه اقتصادی به دست آید (نوروزی، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۱۵۴).

معروف قلمرو مورد مطالعه

حوضه گرمسیری غرب کشور به عنوان محدوده مورد مطالعه تحقیق در واقع محدوده‌ای است واقع در غرب و جنوب غربی ایران که عمدها استان‌های کرمانشاه و ایلام را شامل می‌شود. این محدوده از نظر جغرافیایی در ناحیه‌ای بین عرض جغرافیایی ۴۱ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۵۴ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۴۷ درجه و ۵۴ دقیقه شرقی واقع گردیده است.

محدوده مورد مطالعه با وسعت حدود ۲۱۱۷۳ کیلومتر مربع و ارتفاع متوسط بارش برابر ۴۱۰ میلیمتر و متوسط ارتفاع ۷۳۳ متر از سطح دریا در برگیرنده حدود ۱۰۰ هزار هکتار از دشت‌های مناسب کشاورزی استان‌های کرمانشاه و ایلام می‌باشد که ۹ شهرستان استان‌های مذکور را تحت پوشش قرار داده است.

شکل ۱- موقعیت عمومی منطقه مورد مطالعه



روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر نوع تحقیق جزو تحقیقات کاربردی و از نظر روش جزو تحقیقات توصیفی- تحلیلی می باشد. همچنین به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و ابزارهای مانند نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و ۱۳۹۰ و ۱۳۸۹ استان‌های کرمانشاه و ایلام استفاده شده است.

بحث و یافته‌ها

براساس بررسی‌های صورت گرفته در اسناد آماری سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ استان‌های کرمانشاه و ایلام، در سال ۱۳۸۵ در مجموع حوضه گرمسیری دارای ۱۵۰۶۹ نفر شاغل در بخش‌های سه گانه اقتصادی بوده است که از این تعداد ۳۴۴۱۵ نفر در بخش کشاورزی، ۳۴۸۳۲ در بخش صنعت و ۸۱۳۶۲ نفر در بخش خدمات مشغول فعالیت بوده‌اند. همچنین در بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی در سال ۱۳۹۰ از مجموع ۱۴۶۱۷۷ نفر شاغل، ۴۶۷۸۵ نفر در بخش کشاورزی، ۳۷۴۸۸ نفر در بخش صنعت و ۷۱۹۰۴ نفر در بخش خدمات مشغول فعالیت بوده‌اند(جدول شماره ۱).

جدول ۱- شاغلین شهرستان‌های واقع در حوضه گرمسیری غرب کشور به تفکیک بخش‌های اقتصادی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

استان	حوضه گرمسیری	غرب کشور	شهرستان‌های		وضعیت اشتغال سال ۱۳۸۵ به تفکیک بخش‌های اقتصادی (نفر)	وضعیت اشتغال سال ۱۳۹۰ به تفکیک خدمات
			کشاورزی	صنعت		
		ثلاث باباجانی	۲۲۶۱	۲۲۱۶	۲۳۴۸	۴۶۸۴
استان	سرپل ذهاب	۷۰۷۵	۵۱۰۴	۴۵۴۶	۱۱۴۸۴	۶۱۹۱
کرمانشاه	قصرشیرین	۶۶۲۶	۱۴۰۹	۷۳۰	۶۴۹۱	۱۴۹۰
	گیلانغرب	۵۵۶۱	۶۱۱۶	۲۱۳۲	۵۶۸۹	۸۶۶۰
	ایلام	۲۹۳۲۳	۳۵۵۴	۱۵۵۷۱	۳۰۲۳۹	۶۴۵۱
	ایوان	۵۶۶۳	۱۸۸۷	۲۷۴۰	۴۶۷۸	۴۶۷۸
استان ایلام	آبدانان	۴۷۵۶	۳۵۹۵	۱۴۱۸	۴۸۹۲	۵۴۴۳
	دهران	۷۶۸۳	۵۶۸۸	۲۳۶۱	۷۴۰۸	۳۵۴۷
	مهران	۲۷۹۷	۴۸۰۱	۳۱۱۸	۶۳۷۱	۱۷۸۰
	کل حوضه گرمسیری غرب	۷۱۹۰۴	۳۴۴۱۵	۳۴۸۳۲	۸۱۳۶۲	۴۶۷۸۵
	مجموع کل اشتغال در حوضه گرمسیری غرب	۱۴۶۱۷۷	۱۵۰۶۰۹			

مأخذ: مرکز آمار کشور، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، پاییز ۱۳۹۳

تجزیه و تحلیل داده‌ها

نرخ بیکاری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل نرخ بیکاری نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در حوضه گرمسیری غرب کشور ۱۹.۸۶ درصد می‌باشد. بر اساس داده‌های محاسبه شده‌ی مندرج در جدول شماره ۲، بالاترین نرخ بیکاری در حوضه گرمسیری مربوط به شهرستان سرپل ذهاب با ۳۰.۴ درصد و کمترین نرخ بیکاری مربوط به شهرستان مهران با ۸.۸۵ درصد می‌باشد. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- ضریب بیکاری در حوضه گرمسیری غرب کشور به تفکیک شهرستان‌ها در سال ۱۳۹۰

نرخ بیکاری	جمعیت بیکار	جمعیت فعال	
۲۵.۷۴	۲۹۷۷	۱۱۵۶۵	ثلاث باباجانی
۳۰.۴	۷۹۳۶	۲۶۱۰۳	سرپل ذهاب
۱۰.۰۳	۱۰۷۳	۱۰۷۰۱	قصرشیرین
۲۷.۹۶	۶۳۹۱	۲۲۸۵۹	گیلانغرب
۲۴.۳۹	۱۶۸۰۱	۶۸۸۶۹	ایلام
۲۳.۰۹	۴۹۴۸	۱۷۱۵۸	ایوان
۲۲.۷	۳۷۵۹	۱۶۵۵۰	آبدانان
۹.۱۲	۵۰۶۰	۵۵۴۸۱	دهران
۸.۸۵	۲۰۱۳	۲۲۷۲۹	مهران
۱۹.۸۶	۵۰۰۵۸	۲۵۲۰۱۵	کل حوضه گرمسیری

مأخذ: محاسبات آماری نگارنده

مدل تغییر سهم

برابر محاسبات انجام شده در خصوص تغییرات ساختار اشتغال در حوضه گرمسیری غرب کشور به تفکیک شهرستان‌های تابعه با استفاده از مدل تغییر سهم، نرخ رشد کل اقتصاد مرجع (حوضه گرمسیری غرب کشور) با نرخی منفی دارای روندی نزولی برابر -0.0294 است ($A=-0.0294$). همچنین ساختار بخش‌های اقتصادی حوضه (B) در دوره ۱۳۸۵-۹۰ در بخش کشاورزی با نرخی مثبت دارای روندی صعودی معادل 0.087 بوده در حالیکه در بخش‌های صنعت و خدمات با نرخی منفی دارای روندی نزولی معادل -0.18 و -0.087 بوده است (جدول شماره ۳).

جدول ۳ - وضعیت اقتصادی بخش‌های مختلف حوضه گرمسیری به تفکیک شهرستان‌ها بر مبنای اقتصاد مرجع (۱۳۸۵-۹۰)

خدمات	عنصر تغییر سهم										شهرستان	
	صنعت			کشاورزی								
	A+B+C	C	B	A+B+C	C	B	A+B+C	C	B	A		
۰۰۳۰۶۵	۰.۱۴۶۹	-۰۰۸۶۸۲	-۰۰۵۲۵۷۴	-۰.۳۱۴۹	-۰.۱۸۱۴۱	۱.۰۷۱۶۷	۰.۷۱۲۲	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	ثلاث باباجانی		
-۰.۳۸۳۹۵	-۰.۲۶۷۷	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۳۴۴۲۴	-۰.۱۳۳۴	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۲۱۲۹۷	-۰.۱۴۶۵	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	سرپل ذهاب		
۰۰۱۹۲۵	۰.۱۳۵۵	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۰۹۳۱۴	۰.۱۱۷۷	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۰۵۷۴۷	-۰.۳۰۲	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	قصرشیرین		
-۰.۰۲۲۵۵	۰.۰۹۳۷	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۳۹۸۲۴	-۰.۱۸۷۴	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۴۱۵۹۷	۰.۰۵۶۵	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	گیلانغرب		
-۰.۰۳۰۳۵	۰.۰۸۵۹	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۱۱۱	۰.۰۹۹۸	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۸۱۵۱۷	۰.۴۵۵۷	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	ایلام		
-۰.۱۲۰۶۵	-۰.۰۰۰۴۴	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۴۲۹۵۴	-۰.۲۱۸۷	-۰.۱۸۱۴۱	۱.۴۷۹۱	۱.۱۱۹۶	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	ایوان		
-۰.۰۲۷۸۵	۰.۰۸۸۴	-۰.۰۸۶۸۲	۰.۱۷۹۰۶	۰.۳۸۹۹	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۵۱۴۰۷	۰.۱۰۴۶	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	آبدانان		
۰.۰۳۷۱۵	۰.۱۵۳۴	-۰.۰۸۶۸۲	۰.۰۵۰۲۴	۰.۷۱۳۲	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۳۰۲۴۷	-۰.۰۵۷۰	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	دهران		
-۰.۰۵۶۹۵	-۰.۴۴۴۷	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۷۱۵۸۴	-۰.۰۵۰۵	-۰.۱۸۱۴۱	-۰.۶۲۹۱۳	-۰.۹۸۸۶	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	مهران		
میانگین												
-۰.۱۱	-۰.۰۰۱	-۰.۰۸۶۸۲	-۰.۲۱	-۰.۰۰۴	-۰.۱۸۱۴۱	۰.۴۷	۰.۱۱	۰.۳۸۸۹	-۰.۲۹۴۳	حوضه گرمسیری		

مأخذ: محاسبات آماری نگارنده

تحلیل عنصر عملکرد هر بخش از بخش‌های اقتصادی (C) در کل حوضه گرمسیری نشان می‌دهد که بخش کشاورزی با ضریبی مثبت معادل 0.11 دارای روندی صعودی بوده در حالیکه بخش‌های خدمات و صنعت با ضریبی منفی معادل -0.001 و -0.004 دارای روندی انگشتی نزولی بوده (جدول شماره ۳).

تحلیل عنصر عملکرد هر بخش از بخش‌های سه گانه اقتصادی (C) در شهرستان‌های حوضه نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی، شهرستان‌های ثالث باباجانی، گیلانغرب، ایلام، ایوان و آبدانان با ضریبی مثبت دارای روندی صعودی و شهرستان‌های سرپل ذهاب، قصرشیرین، دهران با ضریبی منفی دارای روندی نزولی بوده‌اند (جدول شماره ۳).

در بخش صنعت، شهرستان‌های ایلام، قصرشیرین، آبدانان و دهران با ضریبی مثبت دارای روندی صعودی و شهرستان‌های ثالث باباجانی، سرپل ذهاب، گیلانغرب، ایوان و مهران با ضریبی منفی دارای روندی نزولی بوده‌اند (جدول شماره ۳).

در بخش خدمات، شهرستان‌های ثالث باباجانی، قصرشیرین، گیلانغرب، ایلام، آبدانان و دهران با ضریبی مثبت دارای روندی صعودی و شهرستان‌های سرپل ذهاب، ایوان و مهران با ضریبی منفی دارای روندی نزولی بوده‌اند (جدول شماره ۳).

لازم به ذکر است که شهرستان‌های ایلام و آبدانان در هر سه بخش دارای ضریبی منفی و روندی صعودی بوده‌اند در حالیکه شهرستان‌های سرپل ذهاب و مهران در هر سه بخش دارای ضریبی منفی و روندی نزولی بوده‌اند.

بررسی تغییرات اشتغال در هر بخش اقتصادی (A+B+C) در کل حوضه گرمسیری نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی روند تغییرات اشتغال مثبت و معادل 0.47 بوده در حالیکه در بخش‌های صنعت و خدمات برخلاف بخش کشاورزی روند تغییرات اشتغال منفی و معادل -0.21 و -0.11 بوده است (جدول شماره ۳).

همچنین بررسی تغییرات اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی ($A+B+C$) در شهرستان‌های حوضه نشان می‌دهد که:

- در بخش کشاورزی، شهرستان ایوان با ضریبی مثبت معادل ۱۴۷۹۱ بالاترین ضریب تغییرات اشتغال و شهرستان مهران با ضریبی منفی معادل ۶۲۹۱۳ - پایین ترین ضریب تغییرات اشتغال را به خود اختصاص داده است(جدول شماره ۳).
- در بخش صنعت، شهرستان دهران با ضریبی مثبت معادل ۰۷۱۳۲ بالاترین و شهرستان مهران با ضریبی منفی معادل ۰۷۱۵۸۴ - پایین ترین تغییرات اشتغال را داشته است(جدول شماره ۳).
- در بخش خدمات، شهرستان دهران با ضریبی مثبت معادل ۰۰۳۷۱۵ بالاترین روند تغییرات اشتغال و شهرستان شهرستان مهران با ضریبی منفی معادل ۰۰۵۶۰۹۵ - پایین ترین روند تغییرات اشتغال را به خود اختصاص داده است(جدول شماره ۳).
- پیش‌بینی اشتغال با محاسبه ضریب تغییرات اشتغال در بخش‌های اقتصادی ($A+B+C$) می‌توان با استفاده از فرمول زیر اقدام به پیش‌بینی اشتغال در افق ۱۳۹۵ نمود.

اشغال دوره بعد در هر بخش = اشتغال سال پایه در هر بخش * ($A+B+C$) + اشتغال سال پایه در همان بخش
بر همین اساس محاسبات مربوط به پیش‌بین اشتغال در افق ۱۳۹۵ بیانگر آن است که در مجموع در حوضه گرمسیری غرب کشور با توجه به ارقام آماری دوره‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ انتظار می‌رود ۱۶۳۷۵۰ شغل ایجاد گردد که از این تعداد ۷۲۹۰۹ شغل در بخش کشاورزی، ۲۴۵۷۶ شغل در بخش صنعت و ۶۶۲۶۵ شغل در بخش خدمات می‌باشد(جدول شماره ۴).

جدول ۴- پیش‌بینی اشتغال در افق ۱۳۹۵ به تفکیک بخش‌های اقتصادی در حوضه گرمسیری غرب کشور

بخش‌های اقتصادی				شهرستان
مجموع	خدمات	صنعت	کشاورزی	
۱۲۶۹۷	۲۴۹۴	۴۹۹	۹۷۰۴	ثلاث باباجانی
۱۳۸۲۴	۴۳۵۹	۱۹۵۵	۷۵۱۰	سرپل ذهاب
۸۹۱۹	۶۷۴۳	۶۰۰	۱۵۷۶	قصرشیرین
۱۸۴۷۰	۵۴۳۶	۷۷۲	۱۲۲۶۲	گیلانغرب
۵۲۴۴۹	۲۸۴۳۳	۱۲۳۰۶	۱۱۷۱۰	ایلام
۱۷۴۶۹	۴۹۸۰	۸۹۲	۱۱۵۹۷	ایوان
۱۴۸۳۶	۴۶۲۴	۱۹۷۱	۸۲۴۱	آبدانان
۲۲۹۴۶	۷۹۶۸	۵۳۲۹	۹۶۴۹	دهران
۲۱۴۰	۱۲۲۸	۲۵۲	۶۶۰	مهران
۱۶۳۷۵۰	۶۶۲۶۵	۲۴۵۷۶	۷۲۹۰۹	کل حوضه گرمسیری

مأخذ: محاسبات آماری نگارنده

مدل ضریب مکانی

تحلیل‌های آماری در زمینه تغییرات بخش‌های پایه‌ای اقتصادی در حوضه گرمسیری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ :

- در بخش کشاورزی، شهرستان‌های ثلات باباجانی، سرپل ذهاب، آبدانان، دهران، گیلانغرب، آبدانان و مهران صادر کننده نیروی کار و شهرستان‌های قصرشیرین، ایلام و ایوان وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

- در بخش صنعت، شهرستان‌های ثلات باباجانی، ایلام و ایوان صادر کننده نیروی کار و شهرستان‌های سرپل ذهاب، قصرشیرین، گیلانغرب، آبدانان، دهران و مهران وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

- در بخش خدمات، شهرستان سرپل ذهاب خودکفا بوده و شهرستان‌های قصرشیرین، ایلام و ایوان صادر کننده نیروی کار و شهرستان‌های ثلات باباجانی، گیلانغرب، آبدانان، دهران و مهران وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

تحلیل‌های آماری در زمینه تغییرات بخش‌های پایه‌ای اقتصادی در حوضه گرمسیری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ :

-در بخش کشاورزی، شهرستان مهران خودکفا بوده در حالیکه شهرستان‌های ثلاث‌باباجانی، سرپل‌ذهب، گیلانغرب، ایوان، آبدانان و دهستان صادر کننده نیروی کار و شهرستان‌های قصرشیرین و ایلام وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

-در بخش صنعت، شهرستان دهستان خودکفا بوده در حالیکه بقیه‌ی شهرستان‌های حوضه وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

-در بخش خدمات، شهرستان مهران خودکفا بوده و شهرستان‌های قصرشیرین و ایلام صادر کننده نیروی کار و شهرستان‌های ثلاث‌باباجانی، سرپل‌ذهب، گیلانغرب، ایوان، آبدانان و دهستان وارد کننده نیروی کار بوده‌اند(جدول شماره ۵).

جدول ۵- تغییرات بخش‌های پایه‌ای حوضه گرمسیری به تفکیک شهرستان‌ها طی سال‌های ۱۳۸۵-۹۰

خدمات	ضریب مکانی (LQ)	سال ۱۳۹۰		سال ۱۳۸۵		شهرستان‌های حوضه گرمسیری غرب کشور
		کشاورزی	صنعت	خدمات	کشاورزی	
۰.۶	۰.۶۸	۱.۷۹	۰.۶۴	۱.۴	۱.۴۵	ثلاث‌باباجانی
۰.۸۸	۰.۹۸	۱.۱۹	۱	۰.۹۳	۱.۰۶	سرپل‌ذهب
۱.۵۲	۰.۴	۰.۵۳	۱.۴	۰.۳۶	۰.۷۱	قصرشیرین
۰.۷۲	۰.۴۴	۱.۷۴	۰.۷۶	۰.۶۶	۱.۹۲	گیلانغرب
۱.۲	۰.۵	۰.۴	۱.۱۳	۱.۳۶	۰.۳۱	ایلام
۰.۹۸	۰.۷	۱.۲۳	۱.۰۷	۱.۰۷	۰.۷۵	ایوان
۰.۸۱	۰.۷۵	۱.۴۳	۰.۹۱	۰.۶۲	۱.۵۹	آبدانان
۰.۸۴	۱	۱.۲۴	۰.۸۹	۰.۶۶	۱.۶۱	دهستان
۱	۰.۸۶	۱	۰.۸۲	۰.۹۴	۱.۴۷	مهران

مأخذ: محاسبات آماری نگارنده

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های تحقیق بیانگر آن است که:

-نرخ بیکاری در کل حوضه گرمسیری بالا بوده و اختلاف نرخ بیکاری در بعضی از شهرستان‌های حوضه رقم زیادی را نشان می‌دهد به گونه‌ای که اختلاف در بعضی از آنها به ۲۱ درصد می‌رسد.

-تفاوت‌های بارزی در زمینه اشتغال در بخش‌های سه گانه اقتصادی در حوضه گرمسیری وجود دارد به گونه‌ای گه در سال ۱۳۸۵ بخش خدمات با سهمی تقریباً ۲.۳ برابر سایر بخش‌ها در بالاترین سطح و بخش کشاورزی با تفاوت جرئی نسبت به بخش صنعت در پایین ترین سطح قرار دارد این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ بخش‌های خدمات با وجود اینکه همچنان در زمینه اشتغال بالاترین سطح را به خود اختصاص داده است ولی همراه با بخش صنعت در مقابل بخش کشاورزی سیر نزولی را طی نموده و بخش کشاورزی با افزایش همراه بوده است. در مجموع در زمینه اشتغال، کل حوضه در فاصله زمانی ۱۳۸۵-۹۰ با کاهش مواجه بوده است.

-منفی بودن نرخ عنصر رشد کل اقتصاد مرجع ($A=-0.02943$) نشان از وضعیت بد اقتصادی حوضه گرمسیری دارد.

-مقایسه عنصر رشد نسبی بخش‌های اقتصادی در کل اقتصاد مرجع (B) در حوضه گرمسیری بیانگر نزول بخش‌های صنعت و خدمات در مقابل بخش کشاورزی می‌باشد.

-عنصر عملکرد (C) در بخش کشاورزی در کل حوضه ۰.۱۱ بوده است که بیانگر سیر صعودی این بخش می‌باشد در حالیکه برای بخش‌های صنعت و خدمات به ترتیب، -0.0004 و -0.0001 بوده که نشان دهنده سیر نزولی در این دو بخش می‌باشد بنابراین مشاهده می‌شود که در فاصله زمانی ۱۳۸۵-۹۰ بخش‌های صنعت و خدمات سهم خود را در مقابل بخش کشاورزی از دست داده‌اند.

-نتایج حاصله برای ضریب تغییرات اشتغال ($A+B+C$) در حوضه بیانگر آن است که در دوره ۱۳۸۵-۹۰ بخش کشاورزی با روندی صعودی مواجه بوده در حالیکه بخش‌های صنعت و خدمات روندی نزولی را طی نموده است.

-نتایج بدست آمده از تحلیل ضریب مکانی در حوضه گرمسیری نشان می دهد که در مجموع در سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بخش کشاورزی صادر کننده نیروی کار بوده و در مقابل بخش های صنعت و خدمات وارد کننده نیروی کار بوده‌اند. در مجموع با توجه به نتایج بدست آمده فوق می توان چنین نتیجه گرفت که در دوره ۱۳۸۵-۹۰ بخش کشاورزی به عنوان بخش پایه اقتصادی بوده و نقش غالب اقتصادی حوضه در این دوره با کشاورزی بوده است که در صورت ادامه چنین روندی با توجه به قابلیت‌های بالقوه حوضه در زمینه کشاورزی و به تبع آن صنعت (صناعت تبدیلی و تکمیلی کشاورزی) و همچنین پیش‌بینی‌های صورت گرفته در زمینه اشتغال در افق ۱۳۹۵ در حوضه با توجه به تعداد نیروی بیکار در ۱۳۹۰ می توان انتظار آن را داشت که نه تنها مسئله اشتغال در حوضه با توجه به بالا بودن نرخ بیکاری بر طرف گردد بلکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها خواهند بود که این امر مستلزم تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای مناسب در راستای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پایه و اصلی حوضه گرمسیری است.

فهرست منابع

- تودارو، م. (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، مترجم: غلامعلی فرجادی. موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی توسعه.
- متین نفس، ف. (۱۳۸۳). بهینه‌سازی نقش اعتبارات کشاورزی در ایجاد اشتغال. مجله بانک و اقتصاد، شماره ۴۶: ۲۷-۳۹، تهران.
- میرحبیبی، م. (۱۳۸۶). چالش‌های اشتغال در کشور و کار شایسته. مجله گزارش، شماره ۱۸۷: ۱۱-۱۳، تهران.
- جلالی، ا.، و سید عبدالحمید آبادی، ابراهیم. (۱۳۸۹). تاثیر آزاد سازی تجاری بر اشتغال بخش کشاورزی ایران، فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، شماره ۴: ۱۵۰-۱۳۵، تهران.
- صیاغ کرمانی، م. (۱۳۷۹). تمرکز نسبی اشتغال در فعالیت‌های صنعتی استان‌های کشور(کاربرد مدل اقتصاد پایه). پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۷: ۶۳-۸۵.
- مرکز آمار کشور. (۱۳۹۳). نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.
- حکمت‌نیا، ح.، و موسوی، م.ن. (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناجهی‌ای. انتشارات علم نوین، بزد.
- شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران. (۱۳۹۲). مطالعات یکپارچه منابع آب و مصارف حوضه گرمسیری غرب کشور. مرحله اول.
- سبحانی، ح.، باقر درویشی (۱۳۸۳). بررسی مزیت نسبی و تحلیل ساختاری اشتغال در استان ایلام، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰: ۱۸۸-۱۵۹.
- فرهودی، ر.، و محمدی، ا. (۱۳۸۵). تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنتنچ با استفاده از مدل تغییر سهم، ضریب مکانی و ضریب جینی. پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۱۲: ۵۵-۷۶، تهران.
- مصری نژاد، ل. (۱۳۸۳). تجزیه و تحلیل ساختار اشتغال در بخش‌های عمدۀ اقتصادی مناطق شهری ایران با استفاده از روش تغییر سهم و شاخص ضریب مکانی. پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۱۵: ۱۰۹-۱۲۸.
- حکیمیان، م.ح. (۱۳۷۸). بررسی نقش بخش خدمات در اقتصاد ایران. مجله مدیر ساز، شماره ۶۱-۳۳: ۶۱-۶۵، تهران.
- پدرام، م.، و جبیبی فر، ل. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بلند مدت تقاضای نیروی کار و عوامل موثر بر آن در بخش صنعت ایران از طریق آزمون هم جمعی جوهانسون. پژوهشنامه اقتصادی. شماره ۳: ۱۶۱-۱۴۱، تهران.
- عیبری، غ.ح. (۱۳۸۴). توسعه نیافتگی و اشتغال، روند تحولات کشورهای در حال توسعه. مجله اقتصاد و بانک. شماره ۵۹: ۴۵-۴۱، تهران.
- قویدل، ص.، و عزیزی، خ. (۱۳۸۷). شناسایی عوامل موثر بر سهم اشتغال در بخش خدمات و زیربخش‌های آن(مورد مطالعه ایران). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۸: ۱۱۶-۹۸، بابلسر.
- کرباسی، ع.ر.، انتی‌عشری، ح.، و عاقل، ح. (۱۳۸۷). پیش‌بینی اشتغال بخش کشاورزی در ایران. مجله اقتصاد در توسعه کشاورزی. شماره ۲: ۴۳-۳۱، تهران.
- زیاری، ک. (۱۳۸۰). بررسی، تحلیل و برنامه ریزی اشتغال در استان یزد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۶۱: ۸۹-۱۰۷.
- خداب پرست مشهدی، م.، فلاحتی، م.ع.، سلیمی‌فر، م.، و حق نژاد، ا. (۱۳۹۱). بررسی اعتبار قانون واگنر و دیدگاه کنزی برای اقتصاد ایران: یک تجزیه و تحلیل سری زمانی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال ۱۲، شماره ۱: ۱۱۲-۷۸، تهران.
- نوروزی، ع. (۱۳۸۱). اولویت بندی بخش‌های اقتصادی بر اساس جدول داده- ستانده.

- Burgess,S M .(1988). Employment in UK manufacturing. the Economicic journal,389(98):81-103.
- Aya ay,M., Rosendo,B., Edmundo,p. (2007). Shift-share Analysis on regional employment growth in the Philippines, 10 th national convention on statistics(NCS), EDSA Shangri-La Hotel, October 1-2.
- Chunyun,sh., Jie,Zh., Yang, Y., Zhang, Z. (2007). Shift- share Analysis on International Turism competitiveness: Acase of Jiangsu Province Chinese Geographical science,2(17): 173-178.
- Klosterman,R.E.(2001). Community and Analysis Planning Techniques, Rowmand and Littlefield publishers, Maryland. Ch12, Usa.
- Oxford Advanced Learner's Dictionary, Sixth edition, 2000.
- <http://www.investopedia.com>